



The Evolution of Environmental Security in International Law in the Post-Cold War Era

Seyed Abdol Ali Ghavam

Professor, Department of International Relations, Faculty of Economic and Political Sciences, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

Email: a-ghavam@sbu.ac.ir

Seyede Masoume Mostafavi

Master of International Relations, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Email: sweet.masoomah@yahoo.com

Abstract

Today, the environment, as the foundation for human development, has become one of the most pressing concerns of the international community and has gradually gained increasing relevance in security-related matters. International environmental law is a relatively new branch of international law, primarily based on *soft law*—that is, legal norms rooted in declarations, statements, guiding principles, and the like, which generally lack strong legal enforceability. This article examines the obligations of contracting parties as well as the multilateral system of access and benefit-sharing within the context of developments in international legal regimes governing agriculture and the environment. In this regard, key treaties and international forums addressing environmental security in the post–Cold War period are analyzed, including the Convention on Biological Diversity (Rio, 1992), the Cartagena Protocol on Biosafety (Nairobi, 2000), the United Nations Framework Convention on Climate Change (New York, 1992), and the Stockholm Convention on Persistent Organic Pollutants (Stockholm, 2001). The findings indicate that despite significant progress in international environmental law in recent decades, particularly in terms of protection and conservation, substantial gaps still remain, especially in the area of environmental damage compensation, which continues to pose a major challenge.

Keywords: Environmental security, international law, international responsibility, international forums

تحول امنیت محیط زیست در حقوق بین الملل پس از جنگ سرد

سید عبدالعلی قوام

استاد گروه روابط بین الملل، دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی، دانشگاه شهیدبهشتی، تهران، ایران
Email: a-ghavam@sbu.ac.ir

سیده معصومه مصطفوی

کارشناسی ارشد روابط بین الملل، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران، تهران، ایران
Email: sweet.masoomeh@yahoo.com

چکیده

امروزه محیط زیست به عنوان بستر بالندگی بشر، از مهم ترین دغدغه های جامعه بین المللی است و به تدریج در مسائل امنیتی ارزش فزاینده یافته است. حقوق بین الملل محیط زیست یکی از شاخه های نوظهور در نظام حقوق بین الملل است که بر پایه حقوق نرم بنا شده است؛ یعنی حقوقی که بر بیانیه ها، اعلامیه ها، اصول اجرایی و ... مبتنی گردیده و ضمانت اجرای حقوقی محکمی ندارد. در این مقاله به بررسی تعهدات کشورهای متعهد و همچنین نظام چندجانبه دسترسی و تسهیم منافع و ارزیابی آن در پرتو تحولات نظام حقوقی بین المللی کشاورزی و محیط زیست پرداخته شده است. در این راستا، مهم ترین قراردادهای و نشست های مجامع بین المللی در ارتباط با امنیت محیط زیست پس از جنگ سرد از جمله کنوانسیون تنوع زیستی (ریو ۱۹۹۲)، پروتکل ایمنی زیستی (نایروبی ۲۰۰۰)، کنوانسیون سازمان ملل متحد در مورد تغییرات آب و هوا (نیویورک ۱۹۹۲) و کنوانسیون استکهلم در خصوص آلاینده های آلی و پایدار (استکهلم ۲۰۰۱) مورد مطالعه قرار گرفته اند. نتایج حاصل شده نشان می دهد که با وجود توسعه چشمگیر حقوق بین الملل در زمینه حمایت و حفاظت از محیط زیست در دهه های اخیر، هنوز هم جبران خسارات محیط زیست از خلأ های عمده پیش روی حقوق بین الملل محیط زیست است.

کلیدواژه ها: امنیت محیط زیست، حقوق بین الملل، مسئولیت بین المللی، مجامع بین المللی.

مقدمه

در نگرش جدید به مفهوم امنیت و ظهور و بروز دکترین امنیت انسانی، مؤلفه‌هایی وجود دارد که در چهارچوب میثاق‌نامه بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تبیین شده‌اند و از آن‌ها به‌عنوان اصول حقوق عمومی نام برده می‌شود. ازجمله این مؤلفه‌ها، امنیت محیط‌زیست است. اهمیت این مسئله از آنجایی است که در فرایند جهانی‌شدن و در پرتو مؤلفه‌های هنجاری متأثر از اصول بنیادین حقوق بشر، گفتمان جدیدی به‌نام امنیت انسانی با هفت رویکرد امنیت شخصی، بهداشتی، غذایی، زیست‌محیطی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی شکل گرفت. درحالی‌که پس از جنگ جهانی دوم و به‌ویژه در دوران جنگ سرد، مهم‌ترین دغدغه کشورها امنیت در برابر تهدیدات خارجی و سلاح‌های کشتار جمعی بوده و امنیت ملی بیشتر در حوزه نظامی و سیاسی مورد توجه قرار گرفته است.

مفهوم امنیت همواره در حال تحول بوده و سطوح مختلف امنیت به هم پیوند خورده است. بنابراین امروزه تهدیدات صرفاً در حوزه نظامی یا سیاسی نیست و همه عرصه‌ها را در برمی‌گیرد. باری بوزان از اندیشمندان مکتب کپنهاک در کتاب مشهور خود «مردم، دولت‌ها و هراس» پنج مؤلفه نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و محیط‌زیستی را برای امنیت ملی در نظر گرفته که مبنای بسیاری از مطالعات در حوزه امنیت ملی قرار گرفته است (تهامی، ۱۳۸۴: ۸۳). امنیت زیست‌محیطی ناظر بر حفظ محیط محلی جهانی به‌عنوان سامانه پشتیبانی ضروری است که تمامی حیات بشری بدان متکی است. امنیت زیست‌محیطی بیانگر یک چرخش قابل ملاحظه از این رویکرد به امنیت ملی است که دو مسئله مجزا را بیان می‌کند؛ عوامل محیط زیستی احتمالی که در پشت برخوردهای خشونت‌آمیز قرار دارند و نیز تأثیر تخریب محیط‌زیست جهانی بر سلامت جوامع و اقتصادها. پس از جنگ سرد، امنیت به‌تدریج ابعاد محیط‌زیست را دربر گرفت و به کیفیت زندگی افراد داخل کشورها توجه بیشتری نشان داد. از میانه دهه ۱۹۹۰ به بعد، امنیت شاهد یک تحول مفهومی از امنیت دولت‌محور (منازعه بین دولتی) به ناامنی بشری (نزاع مدنی) بود. ازهمین‌رو مرزهای یک دولت ممکن است امن باشد؛ اما شهروندان آن از اثرات تخریبی محیط زیستی ایمن نیستند و در نتیجه حاصل ناامنی بشری می‌تواند به بی‌ثباتی در سطح دولتی منجر شود. رابطه میان امنیت و محیط‌زیست در هزاره جدید بیشتر نیز شده است. با توجه به مقدمات بالا، مقاله حاضر در پی بررسی و پاسخ به این پرسش است که امنیت محیط‌زیست در دوران پس از جنگ سرد از منظر حقوق بین‌الملل، چه تحولاتی را از سر گذرانده است؟



۱. حقوق بین الملل و امنیت محیط زیست

امروزه محیط زیست و صدمات وارده بر آن از مهم ترین دغدغه های جامعه بین المللی است و حقوقدانان بین المللی به دنبال دستیابی به راهکارهای ثمربخش برای کاهش خسارات وارد بر آن هستند. در این خصوص، مسئولیت بین المللی یکی از مهم ترین ابزارهاست؛ هرچند که این مقوله از صیغه تاریخی قابل توجهی به خصوص در موضوع حقوق بین الملل محیط زیست برخوردار نبوده و بیشتر جنبه عرفی دارد. توجه به امور محیط زیست از دهه ۱۹۶۰ به صورت جنبشی با پشتوانه افکار عمومی ظهور کرد. همچنین توجه فزاینده افکار عمومی به یافته های علمی در خصوص آثار آلودگی و تخریب محیط زیست، انگیزه های مناسب در جهت همکاری های بین المللی شد. از سوی دیگر، وقایع و حوادث محیط زیستی که در طی سال های گذشته رخ داده بود، به مثابه هشدار مبنی بر این بود که حفظ محیط زیست یک مسئولیت بین المللی است. به عنوان مثال در سال ۱۹۸۴ نشت گاز سمی متیل ایزوسایانات از یک کارخانه در هند موجب مرگ حدود دوهزار نفر و آسیب به دویست هزار نفر شد. در سال ۱۹۸۶ وقوع انفجار راکتور هسته ای چرنوبیل در اوکراین، نخستین واقعه مرگومیر ناشی از رادیواکتیو از یک نیروگاه هسته ای بود که بخش وسیعی از کره زمین را در بر گرفت و حتی به ایالات متحده نیز رسید.

چنین حوادثی هشدار می دادند مبنی بر این که کشورها نمی توانند مرزهای خود را ببندند تا از اثرات فاجعه ها و رخداد های محیط زیستی در امان باشند (پورهاشمی، موسوی، ۱۳۹۰: ۷۷). از طرفی آمارها نشان می دهد آسیب های زیست محیطی و چالش بر سر منابعی همچون آب، زمین و غیره می توانند ترکیب پیچیده ای از عوامل اقتصادی، سیاسی و فرهنگی باشند که در نهایت به خشونت منجر شوند. چنینش های تأسیسی، ساختار و نوع اقتدار سیاسی و همین طور سازوکارهای جهانی در بازی و بستر تاریخی به همان میزان اهمیت دارند که امکان دسترسی واقعی به آب یا زمین در شرح و حل منازعه مهم است (Krummenacher, 2008, p. 44).

اگرچه به طور کلی می توان در حقوق بین الملل عمومی جنبه هایی از حفاظت محیط زیست یافت؛ اما ظهور حقوق بین الملل محیط زیست به عنوان شاخه ای از این رشته نسبتاً جدید است. جرقه های نخست این شاخه حقوقی در کنفرانس ۱۹۷۲ استکهلم و با پذیرش بیانیه این کنفرانس زده شد. حقوق بین الملل محیط زیست بر پایه حقوق نرم بنا شده است؛ حقوقی که بر بیانیه ها، اعلامیه ها، اصول اجرایی و ... مبتنی است و ضمانت اجرای حقوقی محکمی ندارد. هرچند به تدریج حقوق بین الملل

محیط‌زیست به سمت حقوق سخت پیش رفته تا جایی که در حال حاضر می‌توان بخشی از آن را در مجموعه‌های حقوقی بین‌المللی یافت (پورهاشمی، ۱۳۸۴: ۱۵). فنون و روش‌های حقوقی به کاررفته در حقوق محیط‌زیست نیز یکی از ویژگی‌های منحصر به فرد حقوق بین‌الملل است. از یک طرف حقوق بین‌الملل محیط‌زیست بر اساس اصول کلی حقوقی که در بیانیه‌ها و اعلامیه‌ها مورد پذیرش قرار گرفته است؛ بنا شده و از طرف دیگر با بهره‌گیری از فنون حقوقی «کنوانسیون-پروتکل» به‌طور جزئی، دقیق و مشخص نسبت به حفاظت محیط زیستی منطقه یا بخشی خاص تنظیم می‌شود. فنون و روش‌های حقوقی «کنوانسیون-پروتکل»، تکنیکی است که مختص یک بخش یا منطقه ویژه‌ای است و کم‌تر قابل انتقال به دیگر مناطق است (پورهاشمی، ۱۳۸۴: ۱۶). باید توجه داشت که اندیشه «امنیت محیط‌زیست» منافع متفاوت دولتی و فردی را غیر شفاف می‌سازد و عمده‌تاً تفاوت طبیعت معرفت‌شناسی منافع فردی و دولتی را نادیده می‌گیرد و تخریب محیط‌زیست را در چهارچوب مفهوم دفاع علیه تهدیدات محیط‌زیست مورد بحث قرار می‌دهد (علیزاده، پیشگاهی‌فر، ۱۳۹۰: ۱۱۳). امنیت محیط‌زیست، مفهوم اختلاف‌برانگیزی است که معمولاً به یکی از حوزه‌های زیر مربوط می‌شوند:

- محیط‌زیست به‌عنوان یک دلیل یا هدف‌گیری؛
- استفاده از محیط‌زیست به‌عنوان ابزار جنگ؛
- تخریب محیط‌زیست در اثر عملیات نظامی؛
- تأثیر غیرمستقیم تخریب محیط‌زیست بر امنیت از طریق موضوعات جنگ و توسعه؛

- تخریب و حمایت از محیط‌زیست، متمایز از آثار سیاسی و امنیتی یا هر پیامد انسان‌شناختی دیگر. این حوزه را می‌توان مترادف با حمایت و حفظ محیط‌زیست تلقی کرد (هورسمن، ۱۳۸۰: ۸۴).

محیط‌زیست، بستر بالندگی بشر است و در این راستا نظریه‌پردازان جدید امنیت بر موضوعات فراگیر و تهدیدهای محیط‌زیستی مانند گرم شدن کره زمین، فرسایش لایه اوزن، تغییرات اقلیمی و غیره مسائل محیط زیستی به‌مثابه تهدیدهای آینده بشریت تأکید ویژه‌ای دارند. این امر بر رویکرد نظریه‌پردازان امنیت بین‌الملل و همچنین جنبش‌های اجتماعی تأثیر گذاشته؛ به‌طوری‌که امنیت محیط‌زیست، ماهیت فراگیر و عام پیدا کرده است (ذوقی بارانی، عین‌شاهی میرزا، ۱۳۹۴: ۲۰۱). با توجه به مباحث ذکرشده تلاش پژوهشگران برای تعریف امنیت محیط‌زیست تمام اجزای ضروری مفهوم را در



برنمی‌گیرد. علاوه بر این در کشورهای در حال توسعه مفهوم امنیت محیط زیست به عنوان یک برنامه اجماع منافع کشورهای توسعه یافته در نظر گرفته می‌شود و از این رو، کشورهای در حال توسعه امنیت محیط زیست را جدی نمی‌گیرند. با توجه به این واقعیت که تعریف جامع امنیت محیط زیست پیشرفتی نداشته است؛ مفهوم امنیت محیط زیست ترکیبی از اجزای اصلی امنیت محیط زیست و اصلی ترین تهدیدات محیط زیست در نظر گرفته می‌شوند (Skarlato & Telesh, 2008, p. 173).

با توجه به ویژگی‌های حقوق نرم و مسئولیت نرم، «بازیگران نرم» نیز در حقوق بین الملل محیط زیست در حال شکل گیری و گسترش است. دولت با این که همواره به عنوان بازیگر مهم نقش خود را در شکل گیری و اجرای حقوق بین الملل محیط زیست حفظ نموده است؛ دیگر تنها بازیگر حوزه بین الملل به شمار نمی‌آید و سازمان‌های غیردولتی توانسته‌اند در شکل گیری، تدوین، اجرا و نظارت بر حقوق محیط زیست مؤثر باشند. اگرچه سازمان‌های غیردولتی در سایر شاخه‌های حقوق بین الملل همچون حقوق بین الملل اقتصادی، حقوق کیفری بین المللی و غیره، نیز نقش آفرین بوده‌اند؛ ولی نقش و جایگاه این سازمان‌ها در حقوق بین الملل محیط زیست برجسته و مهم به شمار می‌آید. ابزار مهم سازمان‌های غیردولتی، «افکار عمومی جهانی» است که امروزه به عنوان یکی از پدیده‌های نوین حوزه ارتباطات به شمار می‌آید (پورهایمی، ۱۳۸۴: ۱۷). پس از رجوع کشورها به راه حل‌های غیرسیاسی مسالمت آمیز برای حل اختلافات، اصول مهمی در حقوق بین الملل محیط زیست پدیدار شد. این اصول نقشی چندسویه در روابط کشورها دارد؛ نخست این که سبب جلوگیری از حوادث دردآور بین المللی می‌شود؛ دوم به روابط کشورها نظم و قانون مندی می‌بخشد؛ سوم این که نقشی توسعه‌ای در ترویج و شناسایی اصول راهگشا و ضروری محیط زیست در عرصه بین المللی دارد (موسوی و همکاران، ۱۳۹۴: ۲۲).

توسعه حقوق بین الملل محیط زیست در دهه اخیر بیش از هر چیز مبتنی بر نیازها و ضرورت‌های محیط زیست بشر بوده است. رشد اقتصادی و پیشرفت‌های فزاینده فناوری در دوره معاصر سبب خسارت‌های اساسی به محیط زیست شده است. در پاسخ به این نیازها و ضرورت‌ها، حقوق بین الملل تلاش کرده است تا با تدوین قوانین و مقررات بین المللی، دولت‌ها را به حفاظت از محیط زیست پایبند کند. در همین راستا می‌توان «بین المللی کردن حفاظت محیط زیست» را به عنوان یک رهیافت نوین در حقوق بین الملل معاصر به شمار آورد. این رهیافت با تکیه بر دو پایه سازمان‌ها و نهادهای بین المللی از یک طرف و قواعد و مقررات بین المللی از طرف دیگر تلاش

می کند تا مسئله حفظ محیط زیست را به عنوان یک ارزش مشترک بشریت مورد شناسایی قرار دهد (پورهایمی، ۱۳۸۴: ۱۷).

در دهه ۱۹۹۰ چندین برنامه تحقیقاتی گسترده در مورد ارتباط فرضی میان تخریب محیط زیست، کمبود منابع و درگیری های خشونت آمیز انجام گرفت که در اصطلاح امنیت محیط زیست نامیده شد. امنیت محیط زیست بیانگر یک چرخش قابل ملاحظه از این رویکرد به امنیت ملی است که دو مسئله مجزا را بیان می کند؛ نخست عوامل محیط زیست احتمالی که در پشت سر برخوردهای خشونت آمیز قرار دارند و دوم تأثیر تخریب محیط زیست جهانی بر سلامت جوامع و اقتصادها. به هر حال طرفداران امنیت محیط زیست بر این نکته تأکید دارند که تخریب محیط زیست در نتیجه نیروهای اقتصادی و اجتماعی غیر شخصی بوده و راه حل های مشارکتی را می طلبد. برخی از صاحب نظران، تهدیدات محیط زیست را در چهارچوب امنیت ملی در نظر می گیرند؛ اگرچه بر عدم کفایت پاسخ های دولت ملی سنتی به چالش های محیط زیست تأکید می ورزند. برخی دیگر معتقدند که امنیت محیط زیست ذاتاً به لحاظ ویژگی خاص آن، بیشتر یک پدیده جهانی است تا ملی؛ چراکه تهدیدات محیط زیست همه انسان ها را تحت تأثیر قرار می دهد؛ پس همکاری جمعی در مقیاس جهانی را می طلبد (علیزاده، پیشگامی فر، ۱۳۹۰: ۱۱۶). گلدیچ نگرانی های تاریخی مربوط به ارتباط میان تخریب محیط زیست و کمبود منابع، انرژی و مواد غذایی را به صورت خلاصه بیان کرده است. در نظریه های سنتی واقع گرایی، قدرت به منابع طبیعی دولت و فضای سرزمینی آن بستگی دارد. قدرت ملی همچنین به توانمندی آن برای دستیابی به منابع کلیدی که در آن دولت وجود ندارد، بستگی دارد (Swatuk, 2004, p. 7).

پیشرفت سریع فناوری، افزایش استقلال اقتصادی، جهانی سازی و تغییرات ژئوپلیتیکی مفاهیمی همچون توسعه، امنیت و حقوق بشر را تقویت کرده است و میان آن ها ارتباط برقرار کرده است. این درک از امنیت، متفاوت از دوران جنگ سرد است که مفهوم امنیت با جنگ و قدرت سخت همراه بود. امروزه امنیت با کیفیت زندگی افراد ارتباط می یابد که محیط زیست بر آن کیفیت تأثیر می گذارد. در این راستا روندهای بین المللی شاهد تغییر مسیر به سمت مشارکت بیشتر و تصمیم گیری های جامعه مدنی، جوامع محلی و بخش خصوصی است (Leggett & Carter, 2012, p. 2).

به طور کلی، مفهوم امنیت محیط زیست تا اندازه ای مبهم است که علت آن نیز به دو مفهوم تشکیل دهنده آن؛ یعنی امنیت و محیط زیست بازمی گردد. محیط زیست در معنای اساسی خود می تواند محیط خارجی تعبیر شود که یک موجودیت را احاطه



کرده است؛ اما این مفهوم بسیار گسترده است. رویکردهای عملی تر به مفهوم محیط زیست نگرشی فیزیکی و بیولوژیکی دارد و از سیستم های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی متمایز است. همان گونه که لوی هم اشاره می کند؛ باید برای به کار بردن کلمه محیطی که به امنیت مرتبط است، محتاط باشیم. وی معتقد است کارهای اولیه در مورد محیط زیست و امنیت، تمام منابع طبیعی را منابع محیط زیست در نظر می گیرند. از طرفی درک و تعریف از مفهوم امنیت نیز با ابهاماتی مواجه است. در مطالعات امنیتی، امنیت به وضوح در قالب اصطلاحات نظامی تعریف شده است (Tabackova, 2013, p. 10). در ارتباط با مفهوم امنیت محیط زیست نیز باید گفت که رویکردهای سنتی به امنیت، اغلب امنیت ملی و امنیت محیط زیست را زیر عنوان کلی «تهدید» قرار می دهند. این در حالی است که اساساً تهدیدات امنیتی نظامی و مشکلات محیط زیستی متفاوت هستند. هرچند هر دو آن ها می توانند عامل مرگ مردم باشند؛ اما گروه بندی چنین پدیده هایی مانند بیماری و بلایای طبیعی تحت عنوان تهدید به لحاظ مفهومی مبهم است. برونیکس معتقد است وحدت نظری کمی در ارتباط با مفهوم امنیت محیط زیست وجود دارد؛ چراکه اساساً یک تعریف جامع که مورد پذیرش همگان باشد موجود نیست (Dabelko, 1995, p. 7).

۲. زمینه های بازتعریف مفهوم امنیت محیط زیست در دوره جدید

از اوایل دهه ۱۹۸۰ توجهات به سمت جنبه های غیرنظامی امنیت کشیده شد و این مفهوم به تدریج ابعاد محیط زیست امنیت از جمله کیفیت زندگی را دربر گرفت. با فروپاشی شوروی و ظهور نظام نوین ژئوپلیتیک، مباحث و حوزه های نوینی از امنیت به طور چشمگیری توسعه یافت. در این میان، نفی نظامی گری بخشی از دستور کار امنیت جهانی شد و طیف گسترده ای از تهدیدات علیه صلح به ویژه تهدیدات محیط زیستی، بهره کشی از طبیعت و آلودگی منابع زیستی طرح شدند (کاویانی راد، ۱۳۹۰: ۸۷). میانه دهه ۱۹۹۰ شاهد یک تحول مفهومی از امنیت دولت محور به ناامنی بشری بود. امروزه مرزهای یک دولت ممکن است ایمن باشد؛ اما شهروندان آن از اثرات تخریبی محیط زیستی ایمن نیستند و در نتیجه حاصل ناامنی بشری می تواند به بی ثباتی در سطح دولتی منجر شود. بنابراین ارتباط میان امنیت و محیط زیست در هزاره جدید بیشتر نیز شده است. یک بررسی جامع از امنیت محیط زیست نشان می دهد که:

- محیط زیست مهم ترین مسئله فراملی است و امنیت آن یک بعد مهم صلح، امنیت ملی و حقوق بشر است که تاکنون درک شده است؛

- طی سده آینده، یک سوم از پوشش اراضی جهانی در مواجهه با انتخاب های سخت جهانی از مصرف، خدمات اکوسیستم، ترمیم، حفاظت و مدیریت تبدیل خواهند شد؛
 - امنیت محیط زیست با ترکیبی از پویایی ها و روابط متقابل میان منابع ملی، بافت اجتماعی دولت و موتور اقتصادی برای ثبات منطقه ای و محلی، در مرکز امنیت ملی قرار دارد؛
 - با وجود نقش دقیق محیط زیست در صلح، منازعه و ناامنی بشری، اما ممکن است این نقش از موقعیتی به موقعیت دیگر متفاوت باشد (Ghosh & Khan, (2012,p. 39.
- طرح مفهوم امنیت محیط زیست در قالب امنیت انسانی و ملی در میان کنشگران و بازیگران سیاسی، ناظر به اهمیت جهانی محیط زیست در مناسبات قدرت، توسعه و امنیت واحدهای سیاسی است. بر همین اساس عناصر بنیادین امنیت محیط زیست شامل بهسازی کمبود منابع طبیعی، حفظ سلامت محیط زیست، بهسازی محیط طبیعی، پیشگیری از نابسامانی اجتماعی و کشمکش و افزایش ثبات اجتماعی است (کاویانی راد، ۱۳۹۰: ۹۰). نظریه منازعه محیطی بر نقش محیط زیست به عنوان یک متغیر مستقل در منازعات خشونت بار تمرکز می کند. این نظریه بیشتر به منازعات فرادولتی می پردازد تا منازعات درون دولتی. هسته بحث طرفداران نظریه منازعه محیطی این است که تغییرات اقلیمی، کمبود منابع طبیعی را افزایش می دهد و جوامع قادر به انطباق با این چالش نیستند. جوامع با درآمد کم و وابسته به منابع طبیعی که عموماً دارای ساختار سیاسی ضعیفی هستند؛ با تغییرات اقلیمی دچار بحران می شوند و به خشونت روی می آورند. در این راستا طرفداران نظریه منازعه محیطی بر سه تأثیر مستقیم تغییرات محیطی تأکید می کنند؛ نخستین تأثیر، بی ثباتی سیاسی است. کمبود منابع بر اقتصاد و کاهش درآمد ملی تأثیر می گذارد و مشروعیت دولت را تضعیف می کند. دومین تأثیر، ناامنی غذایی و ریاضت اقتصادی است. جوامع کشاورزی نسبت به جوامع وابسته به خدمات بیشتر در معرض این خطر قرار دارند. سومین تأثیر که مدافعان نظریه منازعه از آن به اثرات مضاعف تعبیر می کنند؛ تغییر و جابه جایی عظیم جمعیت است که می تواند منجر به یک مسابقه برای منابع نایاب شده و تنش را تحریک کند (Le Gloannec et al, 2013,p. 14).
- منازعه محیط زیست یک مسئله چندبخشی است که اغلب برای پیشگیری از تنش و رسیدگی به نگرانی های محیطی، ابتکارات سیاست خارجی و سیاست امنیتی را می طلبد. از همین رو به کارگیری مسائل محیط زیست در گفت و گو و همکاری ارزشمند



هستند و می‌توانند برای ثبات منطقه در جهت اقدامات اعتمادساز به کار گرفته شوند (Lietzmann & Vest, 1999, p. 47). با وجود تلاش‌های فزاینده جهانی، هنوز هم توافق اندکی در مورد اقدامات مؤثر در مواردی همچون کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای وجود دارد. به‌کارگیری یک چهارچوب معتبر و مؤثر برای همکاری در تغییرات اقلیمی در ابتدا باید به معنای ایجاد یک تأثیر فوری از طریق انرژی و امنیت محیط‌زیست در یک سیاست منسجم باشد (Mckibbin & Wilcoxon, 2007, p. 1). یک دسته‌بندی کلی غیرقابل اجتناب است؛ اما درعین‌حال نیاز دارد تا به شاخه‌های کوچک‌تری تقسیم شود.

۳. اسناد، معاهدات و نشست‌های مجامع بین‌المللی در ارتباط با امنیت

محیط‌زیست پس از جنگ سرد (بعد از ۱۹۹۱)

یکی از مهم‌ترین ابزارهایی که به‌منظور حفاظت از محیط‌زیست مورد استفاده قرار گرفته، معاهدات چندجانبه بین‌المللی است. جامعه جهانی از سال ۱۹۷۲؛ یعنی پس از کنفرانس استکهلم، بر این‌گونه معاهدات تأکید فراوان داشته، به‌نحوی که تاکنون بیش از ۱۸۰ موافقت‌نامه محیط‌زیستی تدوین شده است (پارسا، ۱۳۷۸: ۱۲۲). با توجه به این‌که موضوع مقاله حاضر بررسی این معاهدات در دوران پس از جنگ سرد است؛ در ادامه به برخی از مهم‌ترین معاهدات بین‌المللی اشاره می‌شود.

۳-۱. کنوانسیون تنوع زیستی (ریو ۱۹۹۲)^۱

در سال ۱۹۹۲ در اجلاس زمین در ریودوژانیرو، رهبران جهان درخصوص یک راهبرد جامع برای توسعه پایدار با این ویژگی که «قادر به برآوردن نیازهای ما باشد و درعین‌حال تضمین کند که یک جهان سالم و زیست‌پذیر برای نسل‌های آینده به‌جای خواهد ماند»؛ به توافق رسیدند. این معاهده که توسط اکثریت قریب به‌اتفاق دولت‌های جهان (۱۹۳ کشور) پذیرفته شده است؛ سه هدف اصلی حفظ تنوع زیستی، استفاده پایدار از اجزای آن و تسهیم عادلانه و منصفانه منافع حاصل از استفاده از ذخایر ژنتیکی را دنبال می‌کند. کنوانسیون تنوع زیستی در دهمین کنفرانس اعضا که در سال ۲۰۱۰ در آیچی پرفکچر در ناگویای ژاپن برگزار شد که پنج هدف کلی راهبردی را برای سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۲۰ در نظر گرفت و آن را «اهداف تنوع زیستی آیچی» نام نهاد. اهداف پنج‌گانه استراتژیک ۲۰۲۰-۲۰۱۱ عبارت‌اند از:

1. The Convention on Biological Diversity (RIO 1992)

- پرداختن به علل از دست رفتن تنوع زیستی؛
- کاهش فشارهای مستقیم وارد بر تنوع زیستی و ترویج بهره‌برداری پایدار؛
- بهبود وضعیت تنوع زیستی از طریق حفاظت از اکوسیستم‌ها، گونه‌ها و تنوع ژنتیکی؛
- افزایش منافع همگانی از تنوع زیستی و خدمات اکوسیستمی؛
- پیشبرد اجرا از طریق برنامه‌ریزی مشارکتی، مدیریت دانش و ظرفیت‌سازی (مشهدی، ۱۳۸۸: ۱۰۶-۱۰۹).

۲-۳. کنوانسیون سازمان ملل متحد در مورد تغییرات آب‌وهوا (نیویورک ۱۹۹۲)^۱

مجمع عمومی سازمان ملل متحد یک کمیته مذاکره‌کننده بین دولتی برای تدوین کنوانسیونی در مورد بررسی تغییرات آب‌وهوا در اجلاس ۱۹۹۰ خود تشکیل داد. این کنوانسیون در ژوئن ۱۹۹۲ در کنفرانس سازمان ملل درخصوص محیط‌زیست و توسعه در برزیل به امضای ۱۵۵ کشور جهان رسید. کنفرانس مذکور به‌عنوان اجلاس زمین یا اجلاس ریو شناخته شد (امامی میبدی، ۱۳۸۱: ۵۹). این کنوانسیون باهدف تثبیت مقدار گازهای گلخانه‌ای در حدی که از تغییرات آب‌وهوایی که باعث مختل شدن چرخه‌های طبیعی می‌شود جلوگیری کند؛ تشکیل شد. هدف نهایی این کنوانسیون و هرگونه اسناد حقوقی مربوطه که ممکن است توسط کنفرانس اعضا مورد تصویب قرار گیرد؛ دستیابی به ثبات در تراکم گاز گلخانه‌ای در اتمسفر مطابق مفاد مربوطه کنوانسیون در سطحی است که از تداخل خطرناک فعالیت‌های بشر با سامانه آب‌وهوایی جلوگیری کند (مشهدی، ۱۳۸۸: ۳۹۳ و ۳۹۵).

۳-۳. نشست ریو^۲

سازمان ملل متحد در سال ۱۹۹۲ میزبان کنفرانس بین‌المللی در «ریو دو ژانیرو» برزیل بود که به اجلاس زمین مشهور شد. نتیجه اجلاس زمین از این قرار بود: برای کمک به کشورهای درحال توسعه در کاهش خسارات محیط‌زیست آن‌ها برخی کمک‌های مالی فراهم خواهد شد؛ کوشش می‌شود تا سطح تولید گازهای گلخانه‌ای در سال ۲۰۰۰ در همان مقدار سال ۱۹۹۰ باقی بماند و کشورهای درحال توسعه به

1. United Nations Framework Convention on Climate Change (New York 1992)
2. Rio Earth Summit (Rio 1992)



فناوری‌هایی که آسیب‌های محیط‌زیست را به حداقل برساند؛ دسترسی بهتری داشته باشند (علیزاده، پیشگاهی‌فر، ۱۳۹۰: ۱۱۱).

همواره پرسش‌هایی مطرح می‌شود مبنی بر این که آیا توسعه پایدار تنها موقعیتی است که می‌تواند به‌سادگی با رشد اقتصادی برابر انگاشته شود یا این که توسعه و رفاه انسانی مجموعه‌ای از ارزش‌های اجتماعی را در برمی‌گیرد که از ارزش‌های اقتصادی فراتر می‌رود؟ چنین پرسش‌هایی اغلب نادیده گرفته شده‌اند. با این وجود، به این پرسش‌ها در کنفرانس‌های ریو+۲۰ پرداخته شد (muoz & najam, 2009, p. 8). کنفرانس ریو+۲۰ همانند کنفرانس ریو ۱۹۹۲ از اهمیت زیادی برخوردار است و اغلب کشورها و سازمان‌های بین‌المللی در آن شرکت داشتند. در سند نهایی کنفرانس با عنوان «آینده‌ای که ما می‌خواهیم» بخش‌های چهارگانه موضوعات مربوط به تجدید تعهدات سیاسی، اقتصاد سبز در سیاق توسعه پایدار و حذف فقر، چهارچوب نهادین توسعه پایدار و چهارچوب عمل و پیگیری لحاظ شده است (رضانی قوام‌آبادی، ۱۳۹۳: ۱۲۴). البته نتایج این نشست چندان امیدوارکننده نبود؛ چراکه در مورد موضوعات کلیدی؛ به‌ویژه در مورد اقتصاد سبز، موافقت جامعی شکل نگرفت. از طرفی، تعهدات این کنفرانس بسیاری از کشورها را برای ارتقای یک اقتصاد سبز با چالش مواجه کرد؛ اما خود کشورها را به‌صورت فردی وا گذاشت تا تصمیم بگیرند چگونه اصول اقتصاد سبز را بپذیرند (House of Commons Environmental Audit Committee, 2013, p. 3).

۳-۴. دستور کار ۲۱

در کنفرانس ریو ۱۹۹۲ علاوه بر اعلامیه ریو، اسناد دیگری هم تصویب شد که برنامه عمل یا دستور کار ۲۱ یکی از این اسناد است. برای تحقیق اهداف مورد نظر در اعلامیه مزبور، دستور کار ۲۱ به‌مثابه آیین اجرایی تلقی می‌شود که شیوه‌های اجرای مفاد مندرج در اعلامیه ریو را بیان می‌کند. این دستور کار از این جهت ۲۱ خوانده می‌شود که به‌منزله شیوه‌نامه‌ای برای تحقق توسعه پایدار برای هزاره سوم است. دستور کار ۲۱ سندی مفصل و مشتمل بر ۴۰ فصل است. طی فصول مختلف این سند، ابعاد مختلف اجتماعی و اقتصادی، حفاظت و مدیریت منابع، تقویت نقش گروه‌های عمده و وسایل و ابزار اجرایی مورد توجه قرار گرفته‌اند (رضانی قوام‌آبادی، ۱۳۹۲: ۴۲۷). اعلامیه ریو و دستور کار ۲۱ بیش از دیگر اسناد، متضمن عناصری است که سبب تقویت مردم‌سالاری مشارکتی و تحکیم نقش گروه‌های عمده اجتماعی در تحقق اهداف، سیاست‌ها و راه‌کارهای اجرایی در مورد محیط‌زیست می‌شود. تحقق اصل مشارکت هم مستلزم

مؤلفه های این اصل یعنی حق دسترسی به اطلاعات محیط زیست، مشارکت عموم در فرایند تصمیم سازی و تصمیم گیری و دسترسی و توسل به مراجع اداری و قضایی در حوزه محیط زیست است (رمضانی قوام آبادی، ۱۳۸۹: ۸۹).

۳-۵. کنوانسیون سازمان ملل متحد برای بیابان زدایی در کشورهایی که به طور جدی با خشکسالی مواجه هستند (پاریس ۱۹۹۴)

با شناسایی اعتبار و ارتباط تصمیمات متخذه در کنفرانس سازمان ملل برای توسعه و محیط زیست، به خصوص دستور کار ۲۱ که پایه ای را برای مبارزه با بیابان زایی فراهم می کند و با تأکید مجدد بر تعهدات کشورهای توسعه یافته مطابق دستور کار ۲۱ با عزم راسخ به اتخاذ اقدامات لازم برای بیابان زدایی و کاهش اثرات خشکسالی به سود نسل حاضر و آینده رأی تدوین این کنوانسیون توافق کردند. براساس ماده ۳۹، دبیر کل سازمان ملل متحد امین این کنوانسیون خواهد بود و هیچ گونه حق شرطی در این کنوانسیون مجاز نیست (مشهدی، ۱۳۸۸: ۵۳۴ و ۵۳۸).

۳-۶. کنوانسیون بین المللی کنترل سامانه های مضر ضدخزه بر روی کشتی ها

در سال ۱۹۸۹ میلادی، سازمان جهانی دریانوردی، تأثیرات نامطلوب محیط زیستی ترکیبات آلی قلع دار را مورد توجه قرار داد. سال ۱۹۹۰ میلادی نیز کمیته حفاظت از محیط زیست دریایی، قطعنامه ای تصویب و طی آن توصیه کرد دولت ها تدابیری به منظور حذف استفاده از رنگ های ضدخزه دارای ترکیبات قلع بر روی شناورهایی با بدنه غیر آلومینیومی با طول کم تر از ۲۵ متر بیندیشند. در نوامبر سال ۱۹۹۹ میلادی، سازمان جهانی دریانوردی طی قطعنامه ای از کمیته حفاظت از محیط زیست دریایی خواست تا سندی مطمئن برای رسیدگی به مشکلات سیستم های ضدخزه بر روی کشتی ها تدوین کند. مزایای کنوانسیون بین المللی کنترل سیستم های مضر ضدخزه شامل مواردی همچون کاهش آلودگی ناشی از ترکیبات قلع به کاررفته در سیستم های ضدخزه، حفاظت از محیط زیست دریایی و سلامت انسان ها در مقابل اثرات نامطلوب سیستم های ضدخزه، جلوگیری از تجمع موجودات زنده بر روی بدنه کشتی ها، جلوگیری از گسترش موجودات مضر دریایی و عوامل بیماری زا و جایگزینی سیستم های مضر با سیستم های دارای ضرر کم تر یا ترجیحاً بدون ضرر می شود (مشهدی، ۱۳۸۸: ۳۸۱ و ۳۸۳).



۳-۷. پروتکل ایمنی زیستی (نایروبی ۲۰۰۰)

این پروتکل شامل ۴۰ ماده و سه ضمیمه است که در آن بر میزان خطرات بالقوه و شناخته شده مرتبط با موجود زنده تغییر شکل یافته، توافق شده است. مطابق با رویکرد احتیاطی مندرج در اصل ۱۵ اعلامیه ريو در خصوص محیط زیست و توسعه، هدف این پروتکل کمک و همیاری در جهت تضمین سطح مناسب حفاظت در زمینه انتقال، جابه جایی و استفاده ایمن از موجودات زنده تغییر شکل یافته است که حاصل فناوری زیستی جدید هستند و ممکن است با در نظر گرفتن مخاطرات آنها برای سلامت انسان، به ویژه نقل و انتقالات برون مرزی، اثرات زیان آوری بر حفظ و استفاده پایدار از تنوع زیستی داشته باشد. براساس ماده ۳۸ هیچ حق شرطی را نمی توان برای این پروتکل قائل شد (مشهدی، ۱۳۸۸: ۱۳۰).

۳-۸. کنوانسیون بین المللی درباره مسئولیت مدنی برای خسارت آلودگی نفت سوخت کشتی (۲۰۰۱)

این کنوانسیون منحصرأ در مواردی همچون خسارت آلودگی ایجاد شده در دریای سرزمینی یک دولت عضو یا در منطقه انحصاری اقتصادی یک دولت عضو و اقدامات پیشگیرانه به منظور پیشگیری یا تقلیل چنین خسارتي، در هر محلی که انجام شود؛ اعمال خواهد شد. این کنوانسیون در مورد خسارت آلودگی مذکور در کنوانسیون مسئولیت مدنی اعمال نخواهد شد؛ اعم از این که غرامت به موجب کنوانسیون مزبور قابل پرداخت باشد یا نباشد. از همین رو، اگر سانحه ای که دو یا چند کشتی در آن دخیل باشند، اتفاق افتد و در نتیجه آن خسارت آلودگی ایجاد شود؛ مالکان تمامی کشتی های مربوط به صورت تضامنی مسئول تمام خسارت هایی خواهند بود که به طور متعارف قابل تفکیک نباشد. هر دولت عضو می تواند عضویت خود را در این کنوانسیون در هر زمان پس از تاریخی که در آن، این کنوانسیون برای دولت مزبور لازم الاجرا می شود، فسخ کند (مشهدی، ۱۳۸۸: ۴۱۱).

۳-۹. کنوانسیون استکهلم در خصوص آلاینده های آلی و پایدار (استکهلم ۲۰۰۱)

کنوانسیون استکهلم یک توافق بین المللی قانونی در خصوص آلاینده های آلی پایدار (POPs) است. در ۱۹۹۵ شورای حکام برنامه محیط زیست سازمان ملل (UNEP) برای

عملکرد جهانی راجع به آلاینده‌های آلی پایدار که به‌عنوان مواد شیمیایی پایدار در محیط‌زیست، تجمع‌پذیر در زنجیره غذایی و دارای اثرات مضر بر سلامتی انسان و محیط‌زیست تعریف می‌شوند، فراخوانی را اعلام کرد. در ۱۷ می ۲۰۰۴ با شرکت ۱۵۱ کشور مفاد آن امضا و مورد تأیید و تصویب قرار گرفت. جمهوری اسلامی ایران در سال ۲۰۰۱ این کنوانسیون را امضا کرد و در فوریه سال ۲۰۰۶ به آن ملحق شد. مهم‌ترین تعهدات کشورهای این کنوانسیون عبارت‌اند از: ۱. اتخاذ سیاست و انجام اقدامات برای حذف تولید و مصرف؛ ۲. جلوگیری از واردات آلاینده‌های آلی پایدار و صادرات آن‌ها؛ ۳. کاهش و یا حذف تولید ناخواسته این مواد و ۴. جایگزینی مواد آلاینده‌های آلی پایدار با مواد دوستدار محیط‌زیست (احمدی آسور، موسی‌زاده، ۱۳۸۷: ۱).

۳-۱۰. معاهده بین‌المللی منابع ژنتیکی گیاهی برای غذا و کشاورزی (نوامبر ۲۰۰۱)

دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی در جهت حفاظت و بهره‌برداری اصولی از منابع ژنتیکی گیاهی برای غذا و کشاورزی که در سی‌ویکمین کنفرانس سازمان کشاورزی و خواربار ملل متحد (فائو) در سال ۲۰۰۱، معاهده بین‌المللی ذخایر ژنتیکی گیاهی برای غذا و کشاورزی مورد تصمیم کشورهای شرکت‌کننده در این کنفرانس بین‌المللی بوده است و آنچه در این معاهده بین‌المللی مقرر گردید. این معاهده نمایانگر تلاش و دغدغه‌های جامعه جهانی درخصوص حفاظت، اکتشافات، جمع‌آوری، شناسایی، ارزیابی و ثبت منابع ژنتیکی گیاهی برای غذا و کشاورزی در نیل به اهداف اعلامیه رم در مورد امنیت جهانی غذایی و برنامه اقدام اجلاس جهانی غذا برای دستیابی به توسعه پایدار کشاورزی است. با توجه به رشد جمعیت امروزه نیاز بیشتر بشر به مواد غذایی بیشتر شده که این عامل خود موجب گسترش تولیدات کشاورزی، تأثیرات سوء بر منابع تولید غذایی، فرسایش ژنتیکی گیاهی و انقراض گونه‌های گیاهی می‌شود. این فرایندها تعادل محیط‌زیست و بومی را به‌تدریج بر هم می‌زند و پیامدهای خطرناکی را برای جامعه جهانی در پی دارد (مشهدی، ۱۳۸۸: ۱۸۲-۱۸۶).



۱۱-۳. کنوانسیون روتردام در مورد آیین اعلام رضایت قبلی برای برخی مواد شیمیایی و سموم دفع آفات خطرناک در تجارت بین المللی (روتterdam ۲۰۰۳)

هدف این کنوانسیون ارتقای مسئولیت مشترک و تلاش های مبتنی بر همکاری بین اعضا در تجارت بین المللی برخی مواد شیمیایی خطرناک به منظور حفظ سلامت انسان و محیط زیست از آسیب های بالقوه و مساعدت در جهت استفاده سازگار با محیط زیست آنها است. این امر از طریق تبادل اطلاعات درخصوص ویژگی های مواد شیمیایی با پیش بینی فرایند تصمیم گیری ملی در رابطه با واردات و صادرات آنها و اعلام این تصمیمات به اعضا انجام می شود. این کنوانسیون شامل ۳۰ ماده و ۵ ضمیمه است. دبیر کل سازمان ملل متحد، امین کنوانسیون بوده و هیچ گونه حق شرطی در مورد این کنوانسیون قابل شناسایی نیست (مشهدی، ۱۳۸۸: ۵۸۴-۵۷۳).

۱۲-۳. کنوانسیون چهارچوب حفاظت از محیط زیست دریای خزر (تهران ۲۰۰۳)

با نظر به تخریب محیط زیست دریای خزر در اثر آلودگی های ناشی از منابع مختلف فعالیت انسانی از جمله تخلیه، انتشار و دفع مواد مضر و خطرناک اهمیت حفاظت از محیط زیست دریایی ضروری می نماید. در این راستا کنوانسیون چهارچوب حفاظت از محیط زیست دریای خزر به منظور حفاظت از محیط زیست دریای خزر از کلیه منابع آلوده کننده از جمله حفاظت و نگهداری، احیا و استفاده منطقی و پایدار از منابع بیولوژیکی دریای خزر مطرح شد.

طرف های متعهد (جمهوری آذربایجان، جمهوری اسلامی ایران، جمهوری قزاقستان، فدراسیون روسیه و ترکمنستان) با آگاهی از تخریب محیط زیست دریای خزر در اثر آلودگی ناشی از منابع مختلف فعالیت های انسانی از جمله تخلیه مواد مضر، خطرناک، مواد زائد و سایر آلودگی های ناشی از منابع دریایی و منابع مستقر در خشکی، با تصمیم راسخ در حفظ منابع زنده دریای خزر برای نسل های حاضر و آینده، با آگاهی به ضرورت تضمین عدم مضر بودن فعالیت های مستقر در خشکی برای محیط زیست دریای خزر، با توجه به خطرات ناشی از نوسانات سطح آب که محیط زیست دریای خزر و خصوصیات اکولوژیکی و آب نگاری منحصر به فرد آن را تهدید می کند؛ با تأکید بر اهمیت حفاظت از محیط زیست دریای خزر و با تصدیق اهمیت همکاری میان

دولت های ساحلی خزر و با سازمان های بین المللی مربوطه، باهدف حفاظت و نگهداری محیط زیست دریایی دریای خزر کنوانسیون تهران را در روز سه شنبه ۱۳ آبان ماه سال ۱۳۸۲ امضا کردند (مشهدی، ۱۳۸۸: ۲۶۳-۲۶۵).

۳-۱۳. کنوانسیون بین المللی نایروبی درباره انتقال لاشه کشتی ها (نایروبی ۲۰۰۷)

کنوانسیون نایروبی با آگاهی از این که عدم انتقال لاشه کشتی ها موجبات مخاطره برای محیط زیست و عملیات دریانوردی را فراهم کند؛ توسط دولت های عضو این کنوانسیون برای حصول اطمینان از انتقال فوری و مؤثر لاشه کشتی و پرداخت هزینه های مترتب آن مورد توافق قرار گرفته است (مشهدی، ۱۳۸۸: ۳۹۸).

۴. تأثیر تصمیمات حقوقی بین المللی بر امنیت محیط زیست

دادگاه های داخلی در رسیدگی به دعاوی محیط زیست مطرح شده در سطح بین المللی در برخی موارد حتی در سطح ملی، کارایی چندانی ندارند. بسیاری از مسائل زیست محیطی، ماهیتاً فرامرزی بوده و لازم است در نهادهای بین المللی در روند رو به رشد جهانی شدن فعالیت های معاملاتی بیش از پیش بر محیط زیست طبیعی تأثیر منفی دارد. در چنین شرایطی، کنترل فرسایش محیط زیست، مسئولیت نهادهای قضایی بین المللی است. فعالیت نهادهای قضایی بین المللی فعلی براساس نظام هایی است که اهداف و ارزش های آنها الزاماً در جهت حفظ محیط زیست نیست. برخی از این نهادها، هنگامی که حفظ محیط زیست به عنوان یک ارزش اجتماعی مهم در سطح بین المللی مطرح نباشد؛ از مسائل مربوط به محیط زیست به سادگی می گذرند. آیین دادرسی این محاکم، با نیازهای قربانیان محیط زیست منطبق نیست. ساختار دیوان های بین المللی از لحاظ حقوق بین الملل نوبنیاد است و اغلب از صلاحیت اجباری و سازوکارهای قهری محروم است (آوگرینپولو، ۱۳۸۵: ۲۲۹). کمیسیون حقوق بین الملل در سال ۱۹۹۳ طرح تشکیل دیوان کیفری بین المللی را تنظیم کرد. تأسیس این دیوان را می توان به عنوان یکی از اقدامات قابل توجه بین المللی در حمایت کیفری غیر آشکار از محیط زیست دانست؛ زیرا بر مبنای اساسنامه آن، برای فعالیت های مخرب و آلاینده پاسخ کیفری در نظر گرفته شده است (موسوی، ۱۳۸۵: ۴۸).

در اصل ۸ اساسنامه اذعان می شود که دیوان نسبت به جنایات جنگی صلاحیت دارد؛ به ویژه هنگامی که در قالب یک برنامه یا سیاست عمومی یا در قالب ارتکاب



گسترده چنین جرائمی صورت گرفته باشد. در تفسیر این رأی نیز در یکی از تبصره‌های این اصل آمده است که «انجام عمدی حمله‌ای با علم به این که چنین حمله‌ای باعث تلفات جانی یا آسیب به غیرنظامیان یا خسارت به اهداف غیرنظامی یا آسیب گسترده، درازمدت و شدید به محیط‌زیست خواهد شد و آشکارا نسبت فواید نظامی ملموس و مستقیم مورد انتظار از آن، بیش از اندازه است» (شیروی، ۱۳۹۲).

دیوان که مورد پشتیبانی سازمان ملل بود و در لاهه مستقر است؛ از زمان تشکیل در سال ۲۰۰۲ میلادی (۱۳۸۱ شمسی) عمدتاً درباره پرونده‌های نابودسازی جمعی (نسل‌کشی) و جرائم جنگی حکم داده است. دادگاه به دلیل بی‌میلی خود در رسیدگی به جرائم بزرگ محیط زیستی و فرهنگی که اغلب در زمان صلح اتفاق می‌افتد؛ مورد انتقاد قرار گرفته است. به همین دلیل در یک تغییر آشکار در کانون فعالیت‌های آن، دیوان در ۱۵ سپتامبر ۲۰۱۶ (۲۵ شهریور ۱۳۹۵) اعلام داشت که جرائمی را که منجر به «تخریب محیط‌زیست»، «استثمار منابع طبیعی» و «تصرف غیرقانونی» زمین شوند در اولویت قرار می‌دهد. این اعلام دربردارنده ارجاع صریحی به زمین‌خواری نیز بود (ویدال، بوکات، ۲۰۱۶). صلاحیت دیوان، هرگونه اختلاف محیط زیستی را شامل می‌شود که باعث ورود یا امکان ورود خسارت شدید به محیط‌زیست در سطح بین‌المللی یا ملی شود و ظرف هیجده ماه از راه دآوری حل‌وفصل نشود. این دیوان همچنین می‌تواند با صدور دستور موقت، اقدامات پیشگیرانه را اتخاذ و در موارد ضروری بنا به درخواست یا به سبب جایگاه خود، به تحقیق و بازجویی اقدام کند. دیوان همچنین می‌تواند در زمینه دآوری و ارائه نظریه‌های مشورتی درباره مسائل جهانی زیست‌محیطی نیز فعالیت کند. شورای امنیت سازمان ملل متحد مسئول اجرای احکام دیوان است (آوگرینیولو، ۱۳۸۵: ۲۳۰).

اگرچه اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری در باب مسئله محیط‌زیست به‌طور مبسوط موضع‌گیری نداشته، اما احکام صادره این مرجع بین‌المللی تاکنون منجر به ایجاد رویه و اصول الزام‌آور در حقوق بین‌الملل درباره مسئله محیط‌زیست شده است. مهم‌ترین اصول برآمده از رویه صدور احکام دیوان بین‌المللی دادگستری در مورد دعاوی و مسائل محیط زیستی صرفاً به تصمیمات دیوان بین‌المللی دادگستری درباره قضایای معروف به «سد» که به اختلاف میان اسلواکی و مجارستان پرداخت و همچنین «گابچکوناگیماروش» که به اختلاف میان دولت‌های آرژانتین و اروگوئه رسیدگی شد بازمی‌گردد. مهم‌ترین این اصول به شرح زیر هستند:

- اصل استفاده غیر زیان‌بار از سرزمین: این اصل نخستین بار در اختلاف

ایالات متحده و کانادا بر سر کارخانه «تریل اسملتر» شناسایی شد و پا به عرصه حقوق بین الملل محیط زیست نهاد. در نتیجه فعالیت های ناشی از ذوب فلز و استخراج معدن در سال ۱۹۲۷ به بعد، حجم گسترده ای از سولفور در ایالت واشینگتن منتشر شد که به صورت باران های اسیدی بر روی زمین های کشاورزی و محیط انسانی و شهری ایالت آمریکایی اثرات مخرب فراوانی بر جای گذاشت. در همین راه، دیوان داوری پس از رسیدگی های جامع و رجوع به نظام حقوقی ایالات متحده بیان داشته است: «بر طبق اصول حقوق بین الملل و همچنین قواعد ایالات متحده، هیچ دولتی حق نخواهد داشت که از سرزمین خود به نحوی استفاده کند یا اجازه استفاده دهد که موجب ورود خسارت توسط آن کشور به کشوری دیگر شود»؛

- اصل توسعه پایدار: دیوان بین المللی دادگستری در اختلافات تأکید کرده است که توسعه پایدار مفهومی مصالحه آمیز میان توسعه اقتصادی و حفاظت از محیط زیست است؛

- اصل ضرورت حفاظت از محیط زیست: براساس دیدگاه دیوان درباره قضیه «سد»، ضمن بیان این که حکم به ضرورت باید مبتنی بر شرایط بسیار دقیق و متعددی باشد که دولت ذی نفع به تنهایی قادر به تشخیص آن نیست؛ به شدت بر روی نظریات ذهنی متکی بر مفهوم ضرورت تأکید داشته و اجرای معاهدات را از سیطره منافع ملی خارج کرده است. همچنین در دیدگاه دیوان به منظور آنکه اقدام دولتی از منظر اصل ضرورت توجیه پذیر باشد؛ باید اقدام آن دولت تنها ابزار برای حفاظت از منفعت اساسی دولت مورد نظر (مجارستان) در قبال خطر قریب الوقوع و شدید باشد و همچنین عمل آن دولت، عامل ایجاد آن خطر نباشد و عمل مذکور نباید به طور جدی به منافع دولت دیگر لطمه وارد کند؛

- اصل پیشگیری: این اصل نخستین بار به شکل نتیجه ای منطقی تلویحاً، از «اصل استفاده غیر زیان بار از سرزمین» در اختلاف معروف ایالات متحده و کانادا حاصل شد. این اصل تکلیف می کند دولت ها در به کار گرفتن مقررات «باید سعی کنند» که بر مبنای «عمل منصفانه» و به درستی در جهت نظم عمومی، فعالیت های بخش خصوصی تحت قلمرو نظارت و کنترل وی، روی بخش محیط زیست زیان آور نباشد.

- اصل احتیاط: اصل احتیاط در هر دو اختلاف محیط زیستی ارجاعی به دیوان



بین‌المللی دادگستری در ادعاهای طرفین و در حکم نهایی مورد توجه بوده است؛ ولی هرگز به دلیل ماهیت نامتقن آن مانند اصل پیشگیری مورد وثوق جدی واقع نشده است. برابر نص ماده ۱۵ کنوانسیون ریو، اصل احتیاط بدین‌گونه تعریف شده است: «برای حفاظت از محیط‌زیست، دولت‌ها باید متناسب با امکانات خود تدابیر احتیاطی وسیعی را اعمال نمایند. در صورت خطر ورود صدمات شدید یا غیرقابل‌جبران نبود دلایل قطعی علمی نباید بهانه‌ای برای تأخیر در اتخاذ تدابیر مؤثر برای پیشگیری از ورود صدمه به محیط‌زیست شود»؛

- اصل ارزیابی: این اصل در پرونده موسوم به «کارخانه خمیر کاغذ» اختلاف مرزی و زیست‌محیطی آرژانتین- اروگوئه، دو کشور مجاور رودخانه اروگوئه که روزه‌روز رو به وخامت می‌گذارد؛ مورد توجه اساسی واقع شد. ارزیابی قبلی فعالیت‌های بالقوه خطرناک، تعهدی است که از مفهوم پیشگیری سرچشمه می‌گیرد. از آنجایی که کوتاهی و قصور در تلاش برای جلوگیری از خطرات فرامرزی می‌تواند منجر به مسئولیت بین‌المللی شود؛ این مسئله نیز قابل بررسی است که انجام صحیح و دقیق یک ارزیابی تأثیرات محیط‌زیستی می‌تواند به‌عنوان استاندارد برای تعیین میزان توجه و دقت در پیشگیری از خطر عمل کند.

- اصل اطلاع‌رسانی (اطلاع‌دهی): مهم‌ترین خاستگاه توجه به اصل اطلاع‌رسانی در اختلاف آرژانتین و اروگوئه نمایان شد و آن هنگامی بود که طرفین به‌موجب انعقاد اساسنامه‌ای درخصوص حفظ تعادل محیط زیستی رودخانه مرزی فی‌مابین؛ یعنی رودخانه اروگوئه در سال ۱۹۷۵ و متعاقب آن تشکیل کمیسیون مشترک، متعهد به بهره‌برداری مفید و اطلاع‌رسانی به‌طرف مقابل شده بودند (موسوی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۸-۱۱).

انجمن بین‌المللی حقوق جزا یکی دیگر از مراجعی است که در نشست‌های گوناگون خود موضوعات مربوط به محیط‌زیست، چگونگی حمایت از آن، پاسخ دادن به جرائم علیه محیط‌زیست با استفاده از حقوق کیفری و مانند آن را مورد بررسی قرار داده است و سعی کرده است که خود را با فعالیت‌های بین‌المللی در زمینه حمایت از محیط‌زیست هماهنگ سازد (پورهاسمی، موسوی، ۱۳۹۰: ۸۲).

با وجود ایجاد چنین سازوکارهایی همچنان در زمینه ضرورت حفاظت از محیط‌زیست در حقوق بین‌المللی، کاستی‌های فراوانی مشاهده می‌شود. وجود الزام رو

به رشد تقاضای همگانی برای حل بحران محیط‌زیست، پاسخی به این ضعف‌هاست و رویه قضایی اخیر، بیانگر تمایل روزافزون دولت‌ها و دیگر فعالان به استفاده از سازوکارهای بین‌المللی برای حل اختلافات مربوط به منابع طبیعی و زیست‌محیطی است. برای ایجاد دیوانی که منحصرأ بتواند به اختلافات محیط زیستی رسیدگی کند؛ چندین پیشنهاد ارائه شده است. دقیق‌ترین و پیشرفته‌ترین پیشنهاد را دیوان بین‌المللی بنیاد محیط‌زیست ارائه کرده است. این بنیاد در گذشته ایده تأسیس این دادگاه را در سطح جهانی ترویج داده است؛ ایده‌ای که هم از سوی جهان سیاست و هم از سوی جامعه دانشگاهی مورد حمایت قرار گرفت.

دیوان بین‌المللی بنیاد محیط‌زیست در سال ۱۹۸۹ به‌منظور تسریع توسعه دیوان بین‌المللی محیط‌زیست تأسیس شد. این بنیاد هم‌اوردی بین‌المللی را آغاز کرد و مقدمات طرح پیشنهادی مذکور را در کنفرانس سازمان ملل متحد در ریودوژانیرو برزیل در سال ۱۹۹۲ فراهم ساخت. دیوان بین‌المللی بنیاد محیط‌زیست به‌عنوان بخشی از این مقدمات، نظر خود را به جوامع اروپایی ارائه کرد و قویاً از این اقدام حمایت شد. این بنیاد خیلی زود حمایت کمیسیون ملل متحد در مورد توسعه پایدار را جلب کرد. بسیاری از دولت‌ها، وزارتخانه‌های دولتی، مقامات محلی، سازمان‌های غیردولتی، شرکت‌های خصوصی و سازمان‌های بین‌المللی نیز حمایت خود را ابراز کردند (آوگرینیولو، ۱۳۸۵: ۲۲۹). حل مسائل محیط‌زیست براساس اصل مسئولیت مشترک، دو نوع مسئولیت وجود دارد؛ نخست مسئولیت کشورهای توسعه‌یافته که اغلب برپایه نقش تاریخی آن‌ها در آلودگی محیط‌زیست است. دوم، مسئولیت کشورهای درحال توسعه که بیشتر با تخریب محیط‌زیست از سوی این کشورها در سال‌های اخیر همراه است (دبیری و همکاران، ۱۳۸۸: ۲۲۲).

معیارهای مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها برای ایراد خسارت بر محیط‌زیست را می‌توان بدین‌صورت بیان کرد: طبق اصل ۱۸ اعلامیه ریو جامعه بین‌المللی برای حفظ محیط‌زیست تلاش می‌کند دو نوع تکلیف پیشگیرانه و پس از حادثه را که ممکن است به برخی یا همه کشورها مربوط شود، بار نماید. تکالیف پیشگیرانه باید از طریق هماهنگی، همکاری و انجام اقداماتی خاص با حسن نیت کامل انجام پذیرد تا از انجام خطرات وارد بر محیط‌زیست جلوگیری به عمل آید یا خسارات آن را به حداقل برساند یا با وضع قوانین مسئولیتی داخلی، موضوع را از لحاظ تعیین مسئولیت و پرداخت غرامت لازم مشخص کنند تا جبران خسارت، به راحتی انجام پذیرد. دسته دوم، تکالیف پس از بروز حادثه است که علی‌الاصول مسئولیت عینی دولت آلوده‌کننده پذیرفته



می‌شود؛ مگر این که موارد خاص و استثنایی وجود داشته باشند که به روشنی نتوان کشور آلاینده را مسئول دانست یا این که به طریقی بتوان از مسئولیت وی کاست. در همین راستا ضمن این که باید به قاعده پذیرفته شده در اعلامیه ریو یعنی مسئولیت مشترک ولی متفاوت دولت‌ها توجه نمود؛ باید این تکلیف جامعه بین‌المللی را خاطرنشان کرد که باید تمام توان خود را برای کمک به دولت‌های فاجعه دیده به کار گیرد (بیانیه؛ اصل ۱۸). بنابراین می‌توان گفت که اعلامیه ریو شاید «مسئولیت عینی» را در جامعه بین‌المللی به عنوان اصل، با توجه به ضوابط و تمهیداتی برای پیشگیری و نیز کمک‌های بعد از بروز حادثه به عنوان وظیفه دولت‌های دیگر و جامعه بین‌المللی پذیرفته است (پورهاشمی، موسوی، ۱۳۹۰: ۸۷).

از همین رو می‌توان گفت که «مسئولیت» در حقوق بین‌الملل محیط‌زیست براساس «مسئولیت نرم» شکل گرفته است؛ هرچند که متون حقوقی زیادی درباره «مسئولیت سخت» در حقوق بین‌الملل محیط‌زیست وجود دارد که از آن جمله می‌توان به «مسئولیت بین‌المللی آلودگی فرامرزی» اشاره کرد. با این وجود، حقوق بین‌الملل محیط‌زیست در تلاش است تا نوعی مسئولیت مدنی که مبتنی بر «جبران خسارت» است را به رسمیت بشناسد. این نوع مسئولیت به عنوان یک مسئولیت ناشی از «خطا» شناخته می‌شود؛ نه مسئولیت ناشی از «فعل یا ترک فعل» که عنصر «جرم» معرف آن است (پورهاشمی، ۱۳۸۴: ۱۶).

در این میان وضع استانداردهای متفاوت برای کشورهای در حال توسعه را نباید از نظر دور داشت. این مسئله به معنای به کارگیری استانداردهای متناسب با پیشرفت‌ها و توانایی‌های کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه برای حفاظت از محیط‌زیست است. این استانداردها ممکن است ملی یا بین‌المللی باشند. ماهیت استانداردهای متفاوت در دو قسمت حقوق و تعهدات ماهوی متفاوت و تفاوت در زمان اجرای قواعد ماهوی قابل طبقه‌بندی است. قسم نخست در بسیاری از کنوانسیون‌های بین‌المللی به کار گرفته شده است به عنوان مثال کنوانسیون ساختاری سازمان ملل متحد در خصوص تغییرات آب‌وهوایی که طرف‌های معاهده را به سه دسته تقسیم می‌کند: تعهدات کلیه اعضا، تعهدات دولت‌های توسعه یافته و دیگر دولت‌ها مندرج در ضمیمه یکم، تعهدات دولت‌های توسعه یافته و دیگر دولت‌های مندرج در ضمیمه دوم. تعهدات متفاوت اغلب به دو روش پیش‌بینی شده‌اند؛ یکم، وضع استانداردهای متفاوت برای پیش‌بینی تعهدات ترجیحی و اعطای زمان بیشتر به دولت‌های در حال توسعه برای ایفای تعهداتشان، دوم ارائه کمک‌های مالی و فنی در راستای انجام تعهدات محیط‌زیست

کشورهای درحال توسعه برای تضمین مشارکت فعال آنها در انجام این تعهدات (عبداللهی، معرفی، ۱۳۸۸: ۲۰۷).

یکی دیگر از راه های کمک به انجام کنوانسیون های محیط زیست، فرایندهای عدم انجام است که برای نخستین بار در پروتکل مونترال با اصلاح در سال ۱۹۹۲ به کار گرفته شد (ماده ۸). این فرایند به ظاهر به شکل مساوی برای همه طرف ها به کار گرفته می شود؛ اما با نگاهی دقیق تر روشن می شود که مخاطب آن کشورهای درحال توسعه هستند. طبق این فرایند، در صورتی که کمیته اجرایی پروتکل به این نتیجه برسد که دولت عضوی با وجود تلاش زیاد از اجرای کامل تعهداتش ناتوان است؛ گزارشی از عدم امکان انجام تعهدات توسط عضو مذکور را به همراه دلایل و اوضاع و احوال خاص منتهی به عدم اجرا به دبیرخانه کنوانسیون ارائه می کند. اجلاس دولت های عضو بعد از دریافت گزارش، می تواند تصمیم به اتخاذ اقداماتی برای فراهم کردن اجرای کامل پروتکل بگیرد (عبداللهی، معرفی، ۱۳۸۹: ۲۰۹).

به طور کلی باید گفت با وجود توسعه چشمگیر حقوق بین الملل در زمینه حمایت و حفاظت از محیط زیست به ویژه در دهه های اخیر، هنوز هم جبران خسارات محیط زیست از خلأ های عمده پیش روی حقوق بین الملل محیط زیست است. امروزه اسناد بی شماری در حوزه بین الملل به تصویب رسیده است، اما اغلب آنها از یک سو محدود به موضوعی خاص (به طور عمده در ارتباط با فعالیت های هسته ای، آلودگی های نفتی، محیط زیست دریا، انتقال زباله ها و مواد خطرناک) هستند و از سوی دیگر، بسیاری از مفاهیم مبنایی و مؤثر در روند جبران خسارات محیط زیست همانند استانداردهای حداقلی، خسارات محیط زیست و مسئولیت محیط زیست را به صورت مبهم و نامعلوم بیان داشته اند (موسوی، قیاسیان، ۱۳۸۹: ۳۴۳).

نتیجه گیری

جهان امروز در مسائل محیط زیست نیاز به هم گرایی واقعی دارد. مرزهای سیاسی امروزه نمی تواند مانع از ورود و تهاجم بحران های محیط زیست از یک سرزمین به سرزمین دیگر شود. ایجاد امنیت محیط زیست صرفاً با تشریک مساعی همه کشورهای یک منطقه جغرافیایی و در ابعاد بزرگ تر همه کشورهای جهان همراه خواهد بود. قطعاً آلودگی محیط زیست و بحران ناشی از آن که در ابتدا در کشورهای کم تر توسعه یافته به دلیل نداشتن قوانین مدون محیط زیست می تواند امنیت ملی این کشورها را به چالش بکشد در آینده مانند موجی به کشورهای توسعه یافته خواهد رسید. به طور کلی



کشورهای جهان با چالش‌های محیط‌زیست روبه‌رو هستند. با این وجود این مسئله از منطقه‌ای به منطقه دیگر و در کشورهای مختلف متفاوت است و تهدیدهایی برای کیفیت محیط‌زیست به وجود آمده است. به مخاطره افتادن سرمایه‌های اکولوژیک و نظم اکوسیستم جهانی در اثر گسترش و تراکم بی‌سابقه و بی‌رویه کانون‌های جمعیتی و فعالیت‌های انسانی نظیر آلودگی‌های محیط‌زیست، تحلیل رفتن منابع حیاتی کره زمین، تغییرات اقلیمی و تخریب لایه اوزون، موجب اهمیت سیاست‌های اکولوژیکی و سیاست‌گذاری محیطی شده است. بعد از جنگ سرد مفهوم امنیت تغییر کرد و امنیت محیط‌زیست نیز برجسته شد و آینده بشر و توسعه پایدار بیش‌ازپیش مورد توجه قرار گرفت. در دوران جنگ سرد، مهم‌ترین دغدغه کشورها امنیت در برابر تهدیدات خارجی و سلاح‌های کشتار جمعی بوده و امنیت ملی بیشتر در حوزه نظامی و سیاسی مورد توجه بوده است. مفهوم امنیت همواره در حال تحول است و می‌توان گفت که سطوح مختلف امنیت به هم پیوند خورده است. در این راستا قراردادهای بین‌المللی و نشست‌های جهانی همچون ریو+۲۰ صورت گرفت. هرچند بسیاری از اندیشمندان معتقدند که نباید مفهوم امنیت محیط‌زیست و امنیت ملی در زیر یک عنوان یعنی تهدید قرار داد. تغییرات پارادایمیک در حوزه روابط بین‌الملل نشان می‌دهد که توسعه مفهوم امنیت به نحوی که تهدیدات و خطرات محیط‌زیست را در برگیرد؛ به ظهور رویکردی بسیار فراگیر انجامیده است. تعیین هرگونه روند امنیت‌ساز براساس نشانه‌های تهدید شکل می‌گیرد.

اگر نیروها و یا عناصر تهدیدکننده تغییر یابد؛ در آن شرایط روندهای جدیدی برای مقابله با تهدید ایجاد می‌شود. نخستین نشانه تهدید امنیت محیط‌زیست را می‌توان در محدودیت‌های استفاده از منابع دانست. در حال حاضر، در سطح جهان تغییراتی در ترکیب شیمیایی جو، تنوع ژنتیک گونه‌های ساکن در کره زمین و چرخه مواد شیمیایی حیاتی در اقیانوس‌ها، جو و زیست‌کره در حال وقوع است که هم از نظر ابعاد و هم از نظر آهنگ، سابقه‌ای برای آن نمی‌توان یافت. تهدیدات ناشی از تولید فزاینده و توسعه سریع و همچنین منابع تجدیدناپذیر و منازعات منطقه‌ای از جمله تهدیدات اصلی در این زمینه به شمار می‌روند.

بحران هویت اجتماعی ناشی از پناهندگی، مهاجرت و حاشیه‌نشینی که دلیل عمده آن را در دهه‌های اخیر می‌توان تخریب محیط‌زیست دانست؛ موج جدیدی از نگرانی‌های دستیابی به امنیت پایدار جهانی را ایجاد کرده است. به‌طور کلی می‌توان گفت که بعد از جنگ سرد اراده بین‌المللی از هم‌پن‌رو قرار داشته است که «تهدید

مشترک جدید» را برجسته کرده و زمینه‌های همکاری متقابل را جهت نیل به ایجاد امنیت محیط‌زیست فراگیر با مفهوم جدیدش فراهم سازند.



فهرست منابع

- احمدی آسور، اکبر؛ موسی زاده، شهربانو (۱۳۸۷)، *کنوانسیون استکهلم و آلاینده‌های آلی پایدار*، تهران: اولین کنفرانس بین‌المللی جایگاه ایمنی، بهداشت و محیط‌زیست در سازمان‌ها.
- امامی‌مبیدی، علی (۱۳۸۱)، *سیر تاریخی اقدامات بین‌المللی محیط‌زیست جهت کاهش آلاینده‌های جو*، اقتصاد انرژی، شماره ۳۵ و ۳۶.
- آوگرینوپولو، دیونیسیا تدورا (۱۳۸۵)، *نقش نظام قضایی بین‌المللی در حل و فصل اختلافات محیط‌زیست*، ترجمه حسین یزدانی، الهیات و حقوق دانشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره ۱۹.
- پارسا، علیرضا (۱۳۷۸)، *حقوق بین‌الملل محیط‌زیست و تجارت آزاد: تضاد یا تکامل*، اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۱۵۰-۱۴۹.
- پورهاشمی، سیدعباس؛ موسوی، مریم‌السادات (۱۳۹۰)، *مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در حقوق محیط‌زیست*، دانشنامه حقوق و سیاست، شماره ۱۵.
- تهمامی، سیدمجتبی (۱۳۸۴)، *امنیت ملی: دکترین، سیاست‌های دفاعی و امنیتی*، تهران: انتشارات نیروی انتظامی.
- دبیر، فرهاد؛ پورهاشمی، سیدعباس؛ روستا، فخرالضحی (۱۳۸۸)، *بررسی اصول و مفاهیم حقوق بین‌الملل محیط‌زیست با نگاهی به توسعه پایدار*، علوم و تکنولوژی محیط‌زیست، دوره یازدهم، شماره ۳.
- ذوقی بارانی، کاظم؛ عین‌شاهی میرزا، محمد (۱۳۹۴)، *راهبردهای بهبود چالش‌های امنیت زیست‌محیطی*، آفاق امنیت، سال هشتم، شماره ۲۷.
- رضانی‌قوام‌آبادی، محمدحسین (۱۳۸۹)، *بررسی محتوای اصل مشارکت در حقوق بین‌الملل محیط‌زیست*، پژوهش حقوق، سال دوازدهم، شماره ۲۹.
- رضانی‌قوام‌آبادی، محمدحسین (۱۳۹۲)، *از ریو تا ریو: در تکاپوی توسعه پایدار*، تحقیقات حقوقی، دوره شانزدهم، شماره ۲.
- رضانی‌قوام‌آبادی، محمدحسین (۱۳۹۳)، *اقتصاد سبز: گامی به سوی تحقق توسعه پایدار در حقوق بین‌الملل محیط‌زیست*، دانشنامه حقوق اقتصادی، سال بیست‌ویکم، شماره ۶.
- شیروبی، ستار (۱۳۹۲)، *متن کامل اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی*، بانک مقالات حقوقی نشر عدالت.
- عبداللهی، محسن؛ معرفي، سعیده (۱۳۸۹)، *اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت در حقوق بین‌الملل محیط‌زیست*، پژوهش حقوق عمومی، سال دوازدهم، شماره ۲۹.

- عزیزاده، عمران ؛ پیشگامی فر، زهرا (۱۳۹۰)، *امنیت زیست محیطی و تحول مفهوم امنیت در قرن ۲۱*، چشم انداز جغرافیایی، سال ششم، شماره ۱۴.
- کاویانی راد، مراد (۱۳۹۰)، *امنیت زیست محیطی از منظر ژئوپلیتیک*، تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، دوره یازدهم، شماره ۲۳.
- کاویانی راد، مراد (۱۳۹۰)، *پردازش مفهوم امنیت محیط زیست*، ژئوپلیتیک، سال هفتم، شماره ۲۳.
- مشهدی، علی (۱۳۸۸)، *مجموعه اسناد و متون بنیادین حقوق بین الملل محیط زیست*، جلد اول، قم: دانشکده حقوق دانشگاه قم.
- موسوی، سیدفضل الله؛ حسینی، سیدحسین؛ موسوی فر، سیدحسین (پاییز ۱۳۹۴)، *اصول حقوق بین الملل محیط زیست در پرتو آرای مراجع حقوقی بین المللی*، حقوق عمومی، دوره هفدهم، شماره ۴۸.
- موسوی، سیدفضل الله (۱۳۸۵)، *حقوق بین الملل محیط زیست*، تهران: میزان.
- موسوی، سیدفضل الله؛ حسینی، سیدحسین؛ موسوی فر، سیدحسین (۱۳۹۴)، *اصول حقوق بین الملل محیط زیست در پرتو آرای مراجع حقوقی بین المللی*، پژوهش حقوق عمومی، سال هفدهم، شماره ۴۸.
- موسوی، سیدفضل الله؛ قیاسیان، فهیمه (۱۳۹۰)، *جبران خسارات زیست محیطی در حقوق بین الملل*، مطالعات حقوق خصوصی، دوره چهل و یکم، شماره ۱.
- هورسمن، استوارت (۱۳۸۰)، *امنیت زیست محیطی در آسیای مرکزی*، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۳۴.



References

- Dabelko, G. D., & Dabelko, D. D. (1995), "Environmental security: Issues of conflict and redefinition", Environmental change and security project report, Vol.1, No.1: 3-13.
- Dalby, S. (2002), "Security and Ecology in the Age of Globalization", Environmental Change and Security Project Report, Vol.8, No.101: 4.
- Ghosh, N. And Khan, S. E. (2012), Situation Analysis on Environmental Security, Ecosystems for Life: A Bangladesh-India Initiative, International Union For Conservation Of Natural Resources (IUCN).
- House of Commons Environmental Audit Committee. (2013), Outcomes Of The Un Rio+20 Earth Summit, Volume I: Report, together with formal minutes, oral and written evidence, The Transatlantic Relationship And The Future Global Governance
- Krummenacher, H. (2008), Environmental factors as triggers for violent conflict: empirical evidence from the 'FAST' data base, Bern: Swisspeace.
- Le Gloannec, A. M., Irondelle, B., & Cadier, D. (2013), New and Evolving Trends in International Security, Transworld, FP7 Working Paper, 14.
- Leggett, J. A., & Carter, N. T. (2012, June), Rio+ 20: The United Nations Conference on Sustainable Development, Library of Congress, Congressional Research Service.
- Lietzmann, K. M., & Vest, G. D. (1999), Environment and security in an international context. Executive summary report.WW ENVIRONMENTAL CHANGE AND SECURITY PROJECT REPORT, Issue 5: 34-48.
- Mckibbin, Warwick & Wilcoxon, Peter (2007), Energy And Environmental Security, Brookings Global Experts, Oral And Written Evidence
- Muoz, Miquel And Najam, Adil. (2009), Rio + 20: Another World Summit?, Sustainable Development Insight, Boston University
- Skarlato, Olga & Telesh, Irena (2008), Environmental Security And Policymaking: Concepts And Practices In North America And Europe, Mauro Centre For Peace And Justice; St. Paul's College; University Of Manitoba.
- Sousa, Beatriz S. A. (2012), Environmental Security Ecological Footprint Towards A Greener Future, Master'S Thesis, Aalborg University.
- Swatuk, L. A. (2004), Environmental security in practice: Transboundary natural resources management in Southern Africa, presentation in Section, 31.
- Tabačková, K. (2013), Securitization of Environmental issues (Doctoral dissertation, Masarykova univerzita, Fakulta sociálních studií).